

در پاسخ به هجویات ناصر چکاوک !

"اندیشه‌ی برآمده از پیچ و خم‌های ذهن خسته آقای جسور" عنوان نوشته ناصر چکاوک است که به تاریخ 10 / جون / 2025 از ورای صفحه فیسبوک خود نشخوار گونه به نشر رسانده است . در ادامه این عنوان با شتاب زایدالوصف می نویسد:

"آقای جسور به تاریخ ششم جون 2025 در صفحه فیسبوکم، با **بی‌پروایی «جما» وار** و بینشی که گاه در مرز باریک اندیشه‌ی پرتیش و داوری شتاب‌زده در نوسان است، با صراحتی قابل‌توجه، مقدمه‌ی را که بر نقد «روشنگر تاریکی یادنامه اکرم یاری» نوشته‌ام، ...نقدی شتاب‌آلود که متاسفانه از منطق علمی لازم برخوردار نیست و از جایگاهی نه‌چندان استوار، احکامی صادر کرده و چنین نوشته است:

«نقدی بدون طرح بدیل و تحلیل‌های من‌درآوردی نه به‌درد جامعه می‌خورد و نه به‌درد سازمان‌های سیاسی. نقد علمی را که بر بنیاد عینیت‌های جامعه ما باشد، همه می‌پذیرند.»

جسور :

جناب چکاوک با برخورد سخیف و بازی با کلمات و سر هم گذاشتن چند کلمه با هتک حرمت به یک نهاد سیاسی که از بطن جامعه سربرآورده و ممثل خواست ها و آرمان های میلیونها انسان زحمتکش و تحت استبداد مردم افغانستان است ؛ همچنان دارای مواضع سیاسی مشخص و مشی مستقل ملی و عاری از هرگونه دنباله روی و وابستگی های اقتصادی ، سیاسی، استخباراتی متکی به نیروی توده های عظیم ، را این چنین به باد استهزا می گیرد «**با بی‌پروایی «جما» وار**» ، درحالی‌که «جما» یک نهاد سیاسی است که دارای اساسنامه و برنامه مدون می‌باشد و برای تطبیق و تکثیر اهداف خود بطور منظم در داخل افغانستان و بیرون از مرزهای آن برای منافع ملی و خدمت به توده های زحمتکش افغانستان در عرصه های متعدد فعالیت دارد .

آنهايي که تا هنوز از جما شناخت ندارند مانند جناب چکاوک و چند فرد دنباله رو و بلی گوی آن (یحی آشنا Yahya Ashna ، طاهر پرسپویان Taher Paraspoyan، ...) می توانند به وبسایت جما و نشرات آن مراجعه نموده در مورد «جما» معلومات حاصل نمایند با مطالعه «منشور جما» آن را به نقد علمی برای بهبود و راهکارهای بعدی بگیرند، البته "نقد علمی" نه "نق و نشخوار" .

ناگفته نباید‌گذشت از افراد و نهاد های که هر چند گاهی از پست‌وخانه های سازمان "سیا" بنام های تنظیم های و احزاب اسلامی ، القاعده ، طالب ، داعش، حزب تحریر ، کمونیسم نوین و... عنداللزوم سمارق وار سر کشیده ؛ توقع بیشتر از این را نباید داشته باشیم.

حال از خوانندگان محترم خواهش میکنم که دقت کنید تا در نوشته کوتاه یک سطره من (جسور) چی چیزی غیر علمی و هذیان گفته شده است که باعث ملال خاطر جناب چکاوک شده است : **(نقدی بدون طرح بدیل و تحلیل‌های من‌درآوردی نه**

بدرد جامعه میخورد و نه بدرد سازمان‌های سیاسی. نقد علمی را که بر بنیاد عینیت‌های جامعه ما باشد، همه می‌پذیرند.)

چکاوک : «اصرار آقای جسور بر این‌که هر نقدي باید با یک «طرح بدیل» همراه باشد، می‌تواند در عمل دایره‌ی نقد را محدود کند و زبان منتقدان را ببندد. این طرزتفکر، این پیام را می‌دهد که تا زمانی که راه‌حل نداري، حق نداري از چیزی انتقاد کنی؛ حال آن‌که یکی از مهم‌ترین کاربردهای نقد، روشن‌کردن تضادها، تناقض‌ها، و نقاط کور است، نه الزاماً ارائه‌ی نسخه‌ی جایگزین.»

جسور : این پاراگراف عمق سواد سیاسی جناب چکاوک را نشان می‌دهد و به گفته یک منتقد دیگر فیسبوک بنام «ذاکر کمیاب : چکاوک صرف لفاظی کرد. زور زد زور زد تا دل و روده خودش برآمد. قابلیت خور های انقلابی، هیچ از دست های خالی و سر های خالی تر خسته نمی‌شوید؟»

از طرز بیان جناب چکاوک معلوم میشود که درکش از "نقد" ناقض و سوادش ناکافی است ورنه این طور با قاطعیت و مطلق حکم صادر نمی‌کرد. جناب چکاوک "نق" را بجای "نقد" بکار گرفته است. بدین لحاظ است که تاکید دارد. در جای دیگر جناب چکاوک درافشانی نموده میفرماید که : پذیرش عمومی نمی‌تواند معیار علمی بودن یک نقد باشد. و در ادامه : ادعای «نقد علمی را که بر بنیاد عینیت‌های جامعه ما باشد، همه می‌پذیرند»، از نظر علمی غلط است. جسور: از دید جناب چکاوک نقد علمی بر بنیاد عینیت ها و واقعیت های جامعه ما که همه آن را می‌پذیرد، جز چکاوک ها و هم قماشانش، غلط و قابل پذیرش نیست با تاکید افزودن علمی و وانهم " از نظر علمی غلط است" باید بالای آن خط بطلان کشیده شود. قضاوت را می‌گذاریم به خوانندگان گرامی.

حال می‌خواهم کمی در مورد "نقد" و "نق" توضیح دهم

در زبان فارسی، "نقد" و "نق" دو مفهوم متفاوت هستند. نقد به معنای بررسی و ارزیابی یک موضوع یا اثر با هدف بهبود و اصلاح است، در حالی که نق زدن به معنای ایراد گرفتن و شکایت کردن بدون ارائه راه حل یا قصد بهبود است.

نقد:

نقد به معنای بررسی دقیق و سنجیده یک موضوع، اثر یا عملکرد با هدف شناسایی نقاط قوت و ضعف و ارائه راهکارهای اصلاحی است. نقد سازنده است و به پیشرفت و بهبود کمک می‌کند.

نق زدن:

نق زدن به معنای ایراد گرفتن و شکایت کردن بدون ارائه راه حل یا قصد بهبود است. این کار معمولاً با لحنی منفی و تهاجمی همراه است و به جای حل مسئله، باعث ایجاد تنش و ناامیدی می‌شود.

به عبارت دیگر، نقد به دنبال راه حل است، در حالی که نق زدن فقط به دنبال بیان مشکلات است و اغلب باعث سرخوردگی می‌شود.

نقد علامت بلوغ یک فرد و بلوغ یک جامعه است، اما نق زدن علامت ماندن در وضعیت کودکی است.

وقتی در جامعه‌ای فضا برای نقد بسته می‌شود، فضای نق زدن گشوده می‌شود.

نقد شجاعت ایستادن در برابر قدرت است، نق دنانت فروماندگی در قدرت است.

نقد، ماهیت ستبر و فراونده دارد، اما نق زدن حکایت کودکی است که در باتلاق درماندگی به ماندن معتاد شده است.

نقد مبانی نظری و علمی دارد، اما نق زدن هیچ مبنایی جز واکنش‌های عاطفی ندارد.

نقد فرمان عقل انتقادی است، نق فرمان فشارهای عصبی است.

نقد کنش است و نق واکنش

نقد درد اندیشه است، نق درد دل است.

نقد در پی جستجوست، نق در پی تجسس است.

نقد تفسیر گراست، نق تقصیر گراست.

نقد آسان کردن مشکل است، نق مشکل کردن آسانی است.

نقد علامت توانایی است، و نق زدن علامت ناتوانی است.

نقد ویژگی زیست در استقلال است، و نق زدن ویژگی ناتوانی در استقلال زیستن.

نقد آگاهی بخش است، نق زدن خنثی کردن آگاهی است.

نقد معیار اندازه‌گیری رشد، توسعه و مدنیت یک جامعه است، و نق معیار واپسماندگی و بقاست.

نقد ممیزه توسعه یافتگی انسان، و نق زدن ممیزه درماندگی انسان است.

یک از بزرگ‌ترین اشتباهاتی که چه منتقدان و چه نقد شوندگان درباره نقد می‌کنند، این است که عموماً به نقد به چشم یک حمله غرض‌ورزانه نگاه می‌کنند.

نقد، به معنای نفی نیست، اما به این معنی هم نیست که ما یک پدیده اجتماعی یا یک اثرسیاسی را یکسره ستایش و تحسین کنیم. هر وقت یک جامعه استوار و پویا را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم، باید به میزان رشد آن جامعه نگاه کنیم و در کنار آن ببینیم. آیا این رشد که به منصف ظهور رسیده، تنها حاصل عملکرد چند فرد بوده یا عوامل دیگر هم موثرند.

یکی از بزرگ‌ترین اشتباهاتی که اکثراً چه منتقدان و چه نقد شدگان مرتکب می‌شوند، مرز میان عیب‌جویی منتقدانه و نق‌زدن را تفکیک کرده نمیتوانند. ما در فرهنگ خود داریم که «عیب او جمله بگفتی هنرش نیز بگویی.»

پیش‌نیاز و لازمه‌ی نقد، مسئولیت‌پذیری و رشد دادن ذهن است و ژرفا بخشیدن به سواد و توسعه دادن گستره‌ی دید و فکر. قوه‌ی سنجش می‌طلبد و منطق. دقت می‌خواهد و بازنگری و کنار گذاشتن تعصب و جزم‌اندیشی. که اصل نقد یعنی پذیرفتن این امر که هیچ ایده‌ای مطلق و ابدی نیست.

امیدوارم با این نوشته مختصر پاسخ داده باشم برای هجویات نویس چکاوک و دنباله روان ان که از من خواسته بودند چرا پاسخی به هجویات جناب چکاوک نه می دهید .